

متن‌شناسی و بررسی سبکی شمس اللالی نسخه خطی در بلاغت

مجتبی سعادت^۱، مریم محمودی^{۲*}، مهرداد چترایی^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

اسفند ۱۴۰۰، دوره ۱۴، شماره پیاپی ۷۰، صفحات ۵۹-۷۳

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۴.۵۵۹۴

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: نقد و بررسی آثار بلاغی، یکی از مهمترین حوزه‌های مطالعات ادبی محسوب میشود. نسخه خطی شمس اللالی یکی از منابع بلاغت فارسی در قرن دوازدهم هجری است که تاکنون در پرده خمول و گوشه انزوا باقی مانده است. این نسخه منحصر بفرد در کتابخانه ملک به شماره ۱۲۱۲ نگهداری میشود. بررسی مباحث بلاغی در این نسخه برای ترسیم چشم‌اندازی از تاریخ بلاغت و روند تطور آن اهمیت دارد.

روش مطالعه: این پژوهش که به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده، ضمن معرفی نسخه خطی شمس اللالی به بررسی متن‌شناسی آن پرداخته است.

یافته‌ها: شمس اللالی در شمار متون بلاغی‌ای محسوب میشود که به نثر مرسل و ساده نوشته شده است. مؤلف در ساختاری دقیق و منسجم، معانی و بیان را در دو فن با رویکردی قیاسی با آراء و نظرات متأخران و با استفاده از امثال به پیش برده است. بخش اصلی متن که مشتمل بر علم معانی است در هشت باب و بسیار مفصل بیان شده و بخش دوم در فن علم بیان و مشتمل بر تشبیه و مجاز است و استعاره را مجاز به علاقه شباهت میداند نه تصویری مستقل. از آنجاکه نسخه در آخر افتادگی دارد، درباره نظرات مؤلف درباره استعاره و کنایه اطلاعی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری: این اثر از متون ارزشمند زبان فارسی است که تاکنون ناشناخته بوده است. معرفی آن بسبب جنبه‌های ادبی و علمی درخور توجه است. تصحیح این اثر به شناخت جنبه‌های مختلف زبان و ادبیات فارسی در حوزه بلاغت کمک میکند؛ همچنین به کامل شدن شناخت سیر تحول و دگرگونی متون بلاغی یاری میرساند.

تاریخ دریافت: ۱۲ مهر ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۲۴ آبان ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۰۵ آذر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۱ دی ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

نسخه خطی، شمس اللالی، موسوی اهری، متن‌شناسی، بلاغت.

* نویسنده مسئول:

m.mahmoodi75@yahoo.com ✉

☎ ۵۳۳۳۷۹۲۲ (۰۹۸ ۳۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Textual and stylistic study of Shams al-Lali Manuscript in rhetoric

M. Saadat^۱, M. Mahmoudi^{*۱}, M. Chatraei^۲^۱- Department of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.^۲- Department of Persian Language and Literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۰۳ October ۲۰۲۰

Reviewed: ۱۴ November ۲۰۲۰

Revised: ۲۵ November ۲۰۲۰

Accepted: ۳۱ December ۲۰۲۰

KEYWORDS

Manuscript, Shams al-Lali,
Mousavi Abhari, Textology,
Rhetoric.

*Corresponding Author

✉ m.mahmoodi75@yahoo.com

☎ (+۹۸ ۳۱) ۵۳۳۳۷۹۲۲

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Criticism of rhetorical works is one of the most important fields of literary studies. The manuscript of Shams al-Lali is one of the sources of Persian rhetoric in the twelfth century AH, which has remained in the veil of isolation. This unique copy is kept in the Malik Library No. ۱۲۱۲. Examining rhetorical issues in this version is important to provide an overview of the history of rhetoric and its evolution.

METHODOLOGY: This research, which was carried out by analytical-descriptive method, while introducing the manuscript of Shams al-Lali, has examined its text ology.

FINDINGS: Shams al-Lali is one of the rhetorical texts written in simple prose. In a precise and coherent structure, the author has advanced the meanings and expressions in two techniques with a deductive approach to the views and opinions of the latter and using proverbs. The main part of the text, which includes the science of semantics, is expressed in eight chapters and is very detailed. As the version falls short, there is no information about the author's views on metaphor and irony.

CONCLUSION: This past work is scientifically one of the valuable texts of Persian language that has been unknown until now. Its introduction is noteworthy due to its literary and scientific aspects. Correction of this work helps to know the different aspects of Persian language and literature in the field of rhetoric; It also helps to complete the understanding of the evolution of rhetorical texts.

DOI: [۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۴,۰۰۹۴](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.14.0094)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۴	 ۰	 ۰

مقدمه

زیبایی‌شناسی یا بلاغت از جمله علوم ادبی است که بعد از ظهور دین اسلام در بین مسلمانان بویژه اعراب مورد توجه قرار گرفت. در آغاز کتابهایی در این زمینه برای بیان جنبه‌های اعجاز قرآن و زیباییهای لفظی قرآن نوشته شد که از جمله آنها میتوان به «معانی القرآن» و «مجاز القرآن» و «اعجاز القرآن» اشاره کرد. شعر و ادبیات عرب هم بینصیب از این علم نماند و از آن بهره‌مند گردید. پس از آن و بدنبال تأثیر و نفوذ زبان عربی در زبان و ادبیات فارسی بتدریج بلاغت اسلامی وارد قلمرو شعر و ادبیات فارسی شد. «گرچه علت غایی و غرض اصلی از وضع علم معانی و بیان، معرفت وجوه اعجاز قرآن کریم در فصاحت و بلاغت است ولی فایده آن بطور کلی عبارت است از اطلاع بر دقایق و اسرار بلاغت در سخنان نظم و نثر عربی و فارسی و تمییز دادن سخن عالی از دانی و اقتفا از فصحا و بلغا در طرز گفتن و نوشتن» (معالم البلاغه، رجایی: ص ۲۱).

دانش بلاغت در زبان فارسی و عربی ادوار متفاوتی را پشت سر گذاشته است که «در یک تقسیم‌بندی کلی میتوان آن را در قالب سه دوره بررسی کرد: ۱- دوره نخستین، ۲- دوره پایه‌گذاری و تدوین، ۳- دوره تقلید و تکرار» (نگاه تحلیلی به علم بیان، آقاحسینی و همیان: ص ۱۶). در دوره اول بیشتر پژوهشهایی که در بلاغت انجام شد درباره اعجاز لفظی قرآن بود که کتاب *البيان والتبيين* جاحظ از جمله آنهاست. در دوره دوم با تلاش بزرگانی چون عبدالقاهر جرجانی نویسنده کتابهای *اسرار البلاغه* و *دلائل الاعجاز* و فخر رازی صاحب کتاب *نهج الاعجاز فی درایه الاعجاز* همچنن سکاکی مؤلف *مفتاح العلوم* و پس از او خطیب قزوینی که *مفتاح العلوم* را خلاصه کرد و آن را *تلخیص المفتاح* نامید و سرانجام تفتازانی که دو کتاب *مطول* و *مختصر* را در شرح *تلخیص المفتاح* نوشت؛ علوم بلاغی به شکلی مدون و منسجم ارائه شد. بعد از آن در دوره سوم بیشتر کتابهایی که در بلاغت نگارش یافته تکرار آرا و عقاید دانشمندان دوره دوم است. «در این عرصه آثار فارسی نیز ترجمه گونه‌هایی از خلاصه و شروحاتی است که بر *مفتاح العلوم* نوشته شده است و اغلب نیز از دو کتاب *مطول* و *مختصر* تفتازانی متأثر است» (همان: ص ۲۲).

شمس اللالی یکی از کتابهایی است که در رده سوم کتابهای بلاغی قرار میگیرد. این کتاب که هنوز تصحیح نشده و بصورت نسخه خطی نگهداری میشود، نوشته «ابن احمد موسوی ابهری» (زنده در ۱۲۰۰ هجری قمری) و در شمار متون بلاغی قرن دوازدهم و سیزدهم است که علاوه بر ارزش محتوایی، از باب بیان دقیق بلاغت با ذکر بیش از هزار شاهد مثال قرآنی و عربی جایگاه ویژه‌ای دارد. از ویژگیهای ممتاز و کم‌نظیر شمس اللالی ذکر و بررسی مباحث بلاغی با بیان نظرات و عقاید پیشینیان و پذیرش یا رد آن با دلایل روشن و محکم است. زاویه نظر موسوی ابهری در اثر، در درجه اول به علم معانی و در مرتبه دوم علم بیان است. شمس اللالی جزء آثار نظری است که اصلاً و در اساس برای معرفی و تبیین موضوعات بلاغی نوشته شده، هرچند مقید به دیدگاه و نگاهی خاص نیست. شمس اللالی از میان قدما بیشترین شباهت را با سکاکی و خطیب قزوینی دارد. نظرات و تعاریف و تقسیم‌بندیهای موسوی هروی در بلاغت با سکاکی بیشترین قرابت را دارد. بسیاری از اشعار و عباراتی که در هر باب برای شاهد مثال آمده، در *تلخیص المفتاح* نیز استفاده شده است. مسئله اصلی جستار کنونی بواسطه ناشناخته ماندن شمس اللالی، کوششی است در جهت بررسی دقیق بلاغی و بیان فواید و مزایای اثر. این مقاله درصدد است تا حتی‌الامکان شرح احوال نویسنده شمس اللالی را بررسی و نسخه باقیمانده از این اثر را که در فهراس معرفی شده، احصا کند.

سابقه پژوهش

شمس اللالی با وجود اینکه اثری مهم در حوزه بلاغت و یک کتاب علمی و مفصل در این زمینه است، هنوز بصورت نسخه خطی باقی مانده و تصحیح نشده است. با وجود کتابهای ارزشمندی که در زمینه بلاغت توسط بزرگانی همچون سکاکی و

تفتازانی و خطیب قزوینی تألیف شده است، تصحیح این نسخه خطی، بعنوان اثری قابل توجه در این حوزه، لازم و ضروری بنظر میرسد. روش پژوهش حاضر، مبتنی بر اسناد و تحلیل محتواست.

بحث و بررسی

معرفی نویسنده شمس اللالی

در منابع تراجم رجال مانند فرهنگ سخنوران و تذکره‌های عارفین و تذکره شمع/نجم، نتایج/افکار و ... نام و شرح احوالی از موسوی ابهری مؤلف «شمس اللالی» نیامده است. اما همین اثر وی مینمایاند که او نویسنده و ادیبی توانمند است. نامش بنا به مندرجات فهرستهای نسخ خطی، ابن احمد شمس‌الدین محمد حسینی موسوی ابهری است. در متن شمس اللالی تنها مطلب زیر ناظر به احوال نویسنده است:

«وَعَدُّ قَبُولُ الْفَقِيرِ إِلَى اللَّهِ الْغَنَى ابْنُ أَحْمَدَ شَمْسُ الدِّينِ مُحَمَّدُ الْحُسَيْنِيُّ الْمَوْسَوِيُّ الْإِبْهَرِيُّ وَفَقَّهَمَا اللَّهَ تَعَالَى بِبُلُوغِ غَايَةِ حَقَائِقِ الْقُرْآنِ ...» (نسخه خطی: ص ۵).

مؤلف در مقدمه کتاب به دلایل تألیف کتاب اشاره کرده است: «قَدْ سَأَلُونِي بَعْضُ الْمُتَبَدِّلِينَ بِهِ عِلْمَ الْعَرَبِيِّ أَنْ أَبْدَأَ بِتَأْلِيفِ كِتَابٍ مُخْتَصَرٍ يَلْفُظُ الْفَارِسِيَّةَ عَلَى طَرِيقِ تَلْخِيصِ الْمِفْتَاحِ الْمَشْهُودِ مُحْتَوِيَاتٍ عَلَى عَجَائِبِ الْبَلَاغَةِ وَ غَرَائِبِ الْفَصَاحَةِ وَ جَوَاهِرِ الْعَرَبِيَّةِ وَ نَوَاقِبِ الدَّلَائِلِ وَ لَوَائِعِ النِّكَاتِ فَاجْتَبَيْتُهُمْ إِلَى الْإِبْتِدَاءِ رَاجِعاً مِنَ اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَنْفَعَنِي بِهِذَا يَوْمَ يُضْطَرُّ الْمُضْطَرُّونَ وَ قَدْ يَخْطُرُ بِأَلِي أَنْ أَسْمِيَهُ بِعِدَالَتِمَامٍ أَنْ شَالَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ شَمْسُ اللَّالِي» (همانجا). نویسنده این مقصد را هماره در ذهن داشته که حقایق علم بیان را با استعانت از راهها و شیوه‌های روشن و درست و امثال و نشانه‌های قاطع و محکم برای مخاطبان تبیین نماید.

درخصوص موضوع کتاب نیز چنین نوشته شده است: «يَلْفُظُ الْفَارِسِيَّةَ عَلَى طَرِيقِ تَلْخِيصِ الْمِفْتَاحِ الْمَشْهُودِ مُحْتَوِيَاتٍ عَلَى عَجَائِبِ الْبَلَاغَةِ وَ غَرَائِبِ الْفَصَاحَةِ وَ جَوَاهِرِ الْعَرَبِيَّةِ وَ نَوَاقِبِ الدَّلَائِلِ» (همانجا).

از آنجاکه «در قرنهای دوازدهم و سیزدهم رکود علمی از جمله معانی و بیان و بدیع محسوس است، نویسندگان بیشتر از کتب عربی از جمله مطول و تلخیص‌المفتاح تقلید میکنند. هیچیک از آثار بلاغی آنان از ارزش و اعتباری شایسته برخوردار نیست و نتوانست منشأ تحول و تجدیدی بنیادین در بلاغت فارسی گردد. ذکر نام و آثار بسیاری از ایشان تنها از لحاظ ماندن در تاریخ قابل ثبت است، وگرنه در باروری و پی افکندن بلاغت نوین فارسی چندان مفید نیست» (رضایی، ۱۳۸۸).

همانگونه که موسوی ابهری در مقدمه نسخه تصریح کرده، توجه خاص او در نگارش این کتاب به کتاب تلخیص‌المفتاح بوده است. تلخیص‌المفتاح اثر خطیب قزوینی است. «وی در تداوم سنت کلاسیک سخن‌شناسی اسلامی، چکیده باب سوم کتاب مفتاح‌العلوم سکاکی را با هدف تسهیل ارتباط با متن و یادگیری بهتر آن، با عنوان کتاب تلخیص‌المفتاح پدید آورد؛ اثری که حاوی برخی از آرای خود او در علم بلاغت نیز بود» (مؤذنی، طیب و شجاع پوریان، ۱۳۹۷). قرن پنجم هجری، دوران شکوفایی علوم بلاغی بشمار می‌آید؛ کتابهای «دلائل الاعجاز فی علم المعانی» و «سرارالبلاغه فی علم البیان» از عبدالقاهر جرجانی در این رونق و شکوفایی بسیار مؤثر بود. زمخشری هم با تألیف کتاب تفسیر کشاف، به این امر کمک شایانی کرد. در قرن هفتم و هشتم هجری کتابهایی تألیف شد که بیشتر خلاصه و تلخیص کتابهای پیشین بود، اما به شرح نیاز داشت. امام فخر رازی، سکاکی، خطیب قزوینی، سعدالدین تفتازانی در زمره این نویسندگان هستند. بدین ترتیب «در سپهر تاریخی اعلام بلاغت، جاحظ در نخستین سطح، علامه باقلانی و علامه جرجانی در گسترش بعدی، سپس زمخشری و در پی او، سکاکی، و پس از وی، خطیب قزوینی بعنوان شارح یا شاگرد علمی مکتب قبل از خود حضور دارند» (همانجا).

تلخیص المفتاح یکی از کتابهای نظام‌مند و دقیق است که با اسلوب علمی و ترتیب منطقی که مشتمل تمام قواعد فصاحت و بلاغت و اصول بلاغی است، تألیف شده است. «خطیب قزوینی در دو کتاب الايضاح فی علوم البلاغه و تلخیص المفتاح دو هدف و روش متفاوت را دنبال کرده است. در الايضاح موضوعات را بسیار موشکافانه و انتقادی به بحث میگذارد، آرای پیشینیان را نقد میکند ولی در تلخیص المفتاح همتش را صرف تعریف و طبقه‌بندی مقولات مسلم و روشن کرده و متن را بشکل یک کتاب مختصر درسی درمی‌آورد. التلخیص بزودی بعنوان یک متن درسی مقبولیت بسیار پیدا کرد» (نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روشهای بلاغت سنتی، فتوحی: ص ۲۸). خطیب قزوینی در این کتاب درباره موضوعات مورد بحث تعریفات روشنتر و دقیقتر از سکاکی ارائه میدهد و در مواردی نظرات سکاکی را رد میکند. بطور کلی او بسیاری از دشواریهای موجود در مفتاح را از کتاب خود حذف میکند (تاریخ تطور علوم بلاغت، شوقی ضیف: ص ۴۵۸).

تلخیص المفتاح به دلایل مذکور همواره مورد توجه بوده و شرحها و حاشیه‌های بسیاری بر آن نوشته‌اند. مهمترین شارح تلخیص المفتاح، سعدالدین مسعودبن عمر تفتازانی نویسنده کتابهای مطول و مختصر المعانی است. بدین ترتیب در تاریخچه تدوین و تکامل بلاغت خطیب قزوینی و آثار او نقش برجسته‌ای دارد. «عبدالقاهر جرجانی با تألیف اسرارالبلاغه و دلایل الاعجاز، بلاغت عربی را به اوج شکوفایی میرساند؛ فخر رازی در نه‌ایه‌الایجاز فی درایه الاعجاز دیدگاههای بلاغی جرجانی را فصل‌بندی و تبویب میکند؛ سکاکی خوارزمی بخش بزرگی از مفتاح‌العلوم را بر پایه نه‌ایه‌الایجاز استوار میکند و علوم سه‌گانه بلاغت را از یکدیگر باز می‌شناسد؛ سرانجام خطیب قزوینی در تلخیص المفتاح کتاب سکاکی را تلخیص و تدقیق میکند و بدینسان تلخیص المفتاح و شروح آن به کتابهای درسی بلاغت عربی بدل میشوند» (نخستین آثار فارسی در بلاغت، اسمیت: ص ۱۵۶).

نسخه‌شناسی شمس اللالی

نسخه خطی منحصر بفرد شمس اللالی در کتابخانه ملک به شماره ۱۲۱۲ نگهداری میشود. خط نسخه، نستعلیق و ۲۲۸ برگ است. نسخه ناقص و فاقد انجامه است. متأسفانه صفحاتی از آخر نسخه افتاده است. این افتادگی موجب شده است اطلاعات دقیقی درباره مؤلف یا کاتب و تاریخ تألیف یا تحریر بدست نیآوریم. نسخه دارای تزئینات جلد قرمز یک‌لایست. متن با جوهر مشکی و عنوان بابها با جوهر قرمز نوشته شده است. در حواشی نسخه نیز به خط کاتب مطالب زیادی تحریر شده است. متن نسخه بطور متوسط در بیست سطر همراه با رکابه برای هر برگ نوشته شده است. عبارات و ابیات و آیات و احادیث هم به روال نثر، بی‌فاصله با مرکب مشکی یک‌سره‌نویسی شده است. شمس اللالی دارای حاشیه‌نویسی با نشان «رب یسر» است که این حواشی اغلب شامل معنی لغات دشوار و عربی و توضیح و شرح متن است. حواشی با خطی هم‌رنگ متن اصلی و با همان قلم نوشته شده و بنظر میرسد نویسنده متن و حواشی یک نفر باشد.

نسخه با حمد خداوند متعال و تشریح مفهوم حمد و شکر آغاز میشود:

«حمد و ثناء به لسان است به قصد تعظیم، اعم از اینکه متعلق به نعمت باشد یا غیر نعمت و شکر فعلی است که مشعر است از تعظیم منعم از جهت بودن او منعم اعم از اینکه تعلق به لسان بگیرد یا به جنان یا به ارکان مثل جوارح. پس مورد حمد همین نمیباشد فکر لسان و متعلق حمد نعمت میباشد و متعلق شکر نمیباشد مگر نعمت...» (نسخه خطی: ص ۵).

در بخشی از تحمیدیه آغازین که به زبان عربی نوشته شده است نویسنده گریزی نیز به موضوع کتاب خود میزند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا بِالْقُرْآنِ إِلَى مَعَارِجِ الْكَمَالِ وَازْتَقَيْنَا بِهِ إِنْقِيَادًا بِهِ إِلَى مَدَارِجِ الْخِصَالِ وَأَسْعَدَنَا فِي حَقَائِقِ التَّنْزِيلِ وَ مِصْبَاحِ الدَّلَائِلِ وَخَصَّنَا فِي مَنَاهِجِ الصِّدْقِ بِالتَّصْدِيقِ مِنْ بَيْنِ الرِّجَالِ وَكَشَفَ لَنَا نِقَابَ الْمَعَانِي وَ الْبَيَانُ بِهِ بَدَائِعِ الْأَفْصَالِ

وَادْرُجْ فِيهِ غَايَةُ الْفَصَاحَةِ وَ نِهَائِهِ الْبَلَاغَةُ الْأَضْمَحَالُ دَجَى الْبَاطِلِ الضَّالِّ وَالصَّلَوِ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ أَشْرَفُ الْأَنَامِ وَ زَيْدُهُ الرِّجَالُ وَ آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ الَّذِينَ تَبَتُّوا عَلَى طَرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ بِالْمَجْدِ وَ الْأَجَلِ» (همانجا).

انجام نسخه: بحث نیمه‌تمام استعاره است: «و استعاره گاهی تقيید کرده میشود به تحقیق از جهت تحقق معنی استعاره‌ها و عقلاً و حساً مثل قول زهیر بن ابی سلمی:

لدى اسد شاكى السلاح مقذف له لبد اظفاره لم تقلم

یعنی رجل شجاع و عقل مثل قول الله تعالى اهدنا الصراط المستقيم، یعنی دین حق و دلیل اینکه استعاره» (همان: ص ۲۲۸). در این جستار ارجاعات مربوط به این نسخه به شیوه معمول آورده شده است (نسخه خطی: شماره صفحه نسخه).

ویژگیهای نگارشی و رسم الخط نسخه

- نوشتن کلمات مختوم به «ة» گاهی بصورت «ت» و گاه به شکل «ه»؛ مثال: کراهه و کراهِت؛
- حذف الف ضمیر «و» و ضمیرهای اشاره «این» و «آن» و «ایشان» در اتصال به کلمه پیشین؛ مثال: ازین، ازو، برین؛
- حرف اضافه «به» به اسم بعد از خود متصل میشود: «پس احتراز از او بتنافر حاصل شد و الا خلل نمیرساند بفصاحه» (همان: ص ۶)؛

- می استمراری متصل به فعل است: «و مقتضی حال مختلف میباشد زیرا که مقامات کلام مختلف میباشد» (همان: ص ۷).

- های جمع به کلمات متصل میشود:
- «الف» در «است» گاهی حذف و گاهی نوشته میشود: «اگرچه موت آنچه‌ی است که انکار کرده نمیشود» (همان: ص ۱۹). «پس اسناد مطلقاً اعم از اینکه بوده باشد خبری یا انشایی بعضی از او حقیقت عقلیست» (همانجا).
- موصوف و صفت گاهی سرهم نوشته شده است: «حال آنکه فعل مخصوص خدایتعالی است حقیقه» (همان: ص ۲۶).
- تنها تنوینی که همیشه درج میشود، تنوین نصب است، و نویسنده خود را ملزم به رعایت آن میداند.
- در این متن کلمات کاملاً با نقطه نوشته شده‌اند.

بررسی سبکی شمس الالی

از دیدگاه ادبی

سبک نثر شمس الاللی را میتوان از نوع سبک مرسل دانست. نثر آن بجهت اینکه متن تعلیمی است، ساده، روان و به دور از هرگونه تکلف و تعقید و خالی از هرگونه اطناب و اسهاب است و معنی کلام در آن بسیار زود دریافت میشود. در مقدمه کوتاه کتاب هم که کوتاه و به زبان عربی نوشته شده، از سجع و موازنه و آرایشهای کلام اثری نیست. حضور لغات و ترکیبات عربی در آن، موجب ابهام و دیریایی مضمون نیست. متن سرشار از اصطلاحات مربوط به بلاغت از جمله علم معانی و بیان است. در تمامی متن معمولاً جمله‌ها طولانی است. در اجزا و ارکان سخن، گاهی تقدیم و تأخیر رعایت نشده و ساختار آنها بصورت غیرمستقیم است. این اثر یک منبع درسی است و هدف مؤلف آن فهم آسان کتاب تلخیص المفتاح بوده است؛ همین رعایت ساده‌نویسی، طرح مباحث لغوی و زبانی و ادبی را در آن بیفایده میکند. بطور کلی آنچه بهار درباره کتب علمی از قرن دهم تا سیزدهم نوشته است، درباره این کتاب هم صادق است: «نثر علمی قرن هفتم که از زبردست استادان و دانشوران ایران بیرون آمده، با نثر صحیح دری که در قرن چهارم و پنجم نوشته میشد یکی است؛ با این تفاوت که این نثر از حیث روانی و بلاغت و سهولت افهام بر نثر قدیم ترجیح دارد. به خلاف نثر قرون اخیر که نه از حیث اصول زبان دری و نه از حیث بکار انداختن لغات فارسی و نه از راه افهام و سهولت قابل توجه است و از هر حیث

فاسد و خراب است. نه به عربی شبیه است نه به پارسی، و مخلوطی است از الفاظ پارسی و تازی بیمزه و ترکیبهای زشت و روابط بیرویه و جمله‌های بی سروپای «سبک‌شناسی، بهار، ج ۳: ص ۳۸۷».

از دیدگاه زبانی

بی‌تردید تصحیح نسخه‌های خطی در تبیین گوشه‌های مبهم تحقیقات در زمینه تحولات زبانی مؤثر است. مطالعه و تصحیح شمس اللالی تا حدی به میزان و کیفیت تغییرات زبانی کمک میکند. هر چند زبان این کتاب ساده، بی‌پیرایه، قابل فهم و به دور از تعقیدات لفظی و معنوی است. اما از آنجا که هر متنی دارای ویژگیهای زبانی خاص است، به برخی از آنها در متن شمس اللالی اشاره میشود.

- مطابقت موصوف و صفت: کلمه فصیح (۲)، کلمه وحشیه (۳)، کیفیت مخصوصه (۱۱)، طرق مختلفه (۱۸۸)،

- کاربرد شکل عربی ترکیبات و واژه‌ها: ماذکر (۳)، ظاهرالدلاله (۴۳)، مره بعد آخری (۶)، ناس (۱۰).

- استفاده مکرر از فعل «میباشد»: مقتضی حال مختلف میباشد، زیرا که مقامات کلام متفاوت میباشد (۷).

- کاربرد حرف اضافه از برای ، بسوی، از جهت:

«گاهی میباشد از برای مسند» (۱۲).

«آن قرینه نسبت دادن شیء است بسوی مشبه» (۲۸).

«ذکر مسندالیه پس از جهت بودن ذکر است اصل و عدم مقتضی عدول از او یا از جهت احتیاط است» (۳۲).

- کاربرد «را» در معنی حرف اضافه: «و ارتفاعشان کلام در حسن و قبول به مطابقت کلام است اعتبار مناسب را» (۷).

- کاربرد بسیار شکل مجهول فعل:

«هرگاه تغییر داده شود کلامی از آن طرف بسوی مرتبه که ادنی از آن طرف باشد نزد بلغاء ملحق به اصوات حیوانات میشود» (۸).

«جایز است اینکه بوده باشد کلام فصیح غیر مطابق مقتضی حال» (۹).

- کاربرد ضمیر «او» در ارجاع به غیرذی‌روح:

«ثانی که تمیز فصیح از غیر باشد، بعضی از او آن چیزی است که مبین میشود در علم متن لغت» (۹).

«او علمی است که شناخته میشود به او احوال لفظ عربی» (۱۰).

البته با توجه به اینکه مؤلف گاهی پایبند ترجمه تلخیص المفتاح بوده، ترتیب کلام بصورت لفظ‌به‌لفظ انجام گرفته است؛ بنابراین بررسی نحو متن در ویژگیهایی مانند طول جملات و نظم و ترتیب ارکان جمله در این بررسی چندان درست و مفید نخواهد بود.

از دیدگاه فکری و محتوایی

همچنان که پیشتر گفته شد در قرن یازدهم و دوازدهم، تلخیص کتابها و نوشتن شرح و حاشیه بر آنها و تألیف کتابهای مختصر و متوسط و مفصل در علوم مختلف شرعی و عقلی و ادبی متداول بود. شمس اللالی نیز در زمره همین آثار است. در این کتاب مباحث بلاغی در شاخه معانی و بیان مطرح شده است؛ اما در طرح مباحث هیچگونه ابتکار و نوآوری چشم نمی‌آید. تقلید و تکرار متون بلاغی پیشین حتی در ذکر شواهد و امثال و ساختار کتاب هم کاملاً مشهود است.

موسوی ابهری پس از تعاریف و توضیحات، به نمونه‌هایی از ابیات و اشعار عربی و آیات قرآن اشاره کرده است. او از دیوان اشعار بسیاری از شاعران خصوصاً شعرای عربی‌زبان آگاه بوده است. در این نسخه ابیاتی یافت شد که با جستجو در دواوین

شعرا و نیز دیگر کتب بلاغی سراینده این اشعار معلوم نشد. موسوی ابهری بیش از یک هزار نمونه و شاهد برای اثبات هر موضوع، از بیش از یکصد شاعر عرب‌زبان نقل میکند و حتی یک نمونه شاهدمثال فارسی در این اثر بکار نبرده است؛ درحالی‌که تمام بحث بلاغت، فارسی تشریح شده است. اشاره به بیش از یکصد شاهد از آیات قرآنی آن هم آیه‌هایی با مضمون عرفانی جلوه‌ای خاص از روح معنوی نویسنده اثر دارد که مخاطب را به تذکر و تهذیب بیشتر هدایت میکند. نیز در متن از نظرات و امثال بلاغی بسیاری از نویسندگان و شاعران عرب از جمله سکاکي، ابی تمام، محمدبن وهب، علقمه- بن عبدک، ضارب‌ن نهشل، بحتري، عبدالله‌بن همام، فرزّدق، ابن بابک حمامه، معتزلی، ابن رومی، بشار، ابن راوندی، حجل- بن نضله، امرء‌القیس، حنائی‌بن حارث، جرشی، جاحظ، قاضی تدوخی، عباس‌بن اخف، جرجانی، عبدالله‌بن طیب استفاده شده است. مؤلف در مواردی که مطلبی را نقل میکند، نام گوینده آن را گوشزد کرده و گاه نقدی منصفانه را نشان ارائه دهد.

پس از تحمیدیه‌ای کوتاه، نویسنده کلام خود را با بیان معنی فصاحت و بلاغت آغاز میکند: «بدان که فصاحت وصف کرده میشود به او لفظ مفرد و کلام و متکلم مثل کلمه فصیح و کلام فصیح و کاتب فصیح و شاعر فصیح و بلاغت وصف کرده میشود به کلام و متکلم مثل کلام بلیغ و رجل بلیغ سوای مفرد، زیرا که گفته نمیشود کلمه بلیغه» (نسخه خطی: ص ۶). آنچنان که مشخص است موسوی ابهری هم مانند سکاکي و خطیب قزوینی فصاحت و بلاغت را از یکدیگر تفکیک نموده است. تعریف او از فصاحت و بلاغت بیشتر ناظر به اسباب ایجاد فصاحت و بلاغت است.

در باب تقسیم‌بندی مباحث بلاغی به معانی و بیان و بدیع نویسنده معتقد است: «پس بنابراین علم معانی و بیان را وضع کردند و آنچه احتراز کرده میشود به او از اول یعنی خطای در تأدیة معنی علم معانی است و آنچه احتراز کرده میشود از تعقید معنوی علم بیان است و آنچه دانسته میشود به او وجوه تحسین، علم بدیع است و بسیاری از ناس جمیع را علم بیان میگویند و بعضی از ایشان اولی را علم معانی، و بیان و بدیع را علم بیان میگویند و نیز ثلاثه را علم بدیع» (همان: ص ۱۰). پس از این دسته‌بندی، نویسنده مباحث مربوط به فن معانی را با تعریف آن آغاز میکند و علم معانی را در هشت باب خلاصه میکند: «باب اول: احوال اسناد خبری، دویم: احوال مسندالیه، سیوم: احوال مسند، چهارم: احوال متعلقات فعل، پنجم: قصر، ششم: انشاء، هفتم: فصل، هشتم: ایجاز و اطناب و مساوات» (همان: ص ۱۱).

درمورد صدق و کذب نویسنده بر این اعتقاد است که: معیار تصدیق خبر، مطابقت آن با واقعیت است و اگر مطابق با واقعیت نباشد، کذب است. او به عقیده نظام نیز در این زمینه اشاره میکند: «نظام گفته که صدق خبر مطابق بودن حکم است با اعتقاد مخبر هرچند که اعتقاد خطا باشد و کذب خبر عدم مطابق بودن حکم است با اعتقاد مخبر هرچند که غیرمطابق واقع باشد به دلیل قول الله عزوجل: إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ زیرا که تسجیل کرده الله -سبحانه و تعالی- بر ایشان به اینکه ایشان کاذبند در قول خود که: انک لرسول الله با اینکه این قول مطابق واقع است پس اگر بوده باشد صدق عبارت از مطابقت مذکور هرآینه این حکم صحیح نخواهد بود» (همان: ص ۱۳) و آنگاه این نظر را نقد و رد میکند: «و رد کرده میشود این استدلال به این نحو که معنی لکاذبون معنی به این است که کاذبند در شواهد و در ادعاء مواطات. پس تکذیب راجع است بسوی قول ایشان که نشهد به اعتبار تضمن او خبر کاذب را، زیرا که منافقین میگویند به افواه چیزی را که در قلوبشان نیست یا به این معنی است که کاذبند در مشهودبه یعنی قول ایشان که انک لرسول الله لیکن نه در واقع بلکه در زعم فاسد و اعتقاد باطل ایشان زیرا که اعتقاد کرده بودند که انک لرسول الله غیرمطابق است پس میباشد کاذب به اعتقاد ایشان و اگرچه بوده باشد صادق در نفس الامر» (همانجا).

موسوی ابهری هم مانند خطیب قزوینی بحث حقیقت و مجاز عقلی را در حوزه علم معانی مطرح کرده است: «پس اسناد مطلقاً اعم از اینکه بوده باشد خبری یا انشائی بعضی از او حقیقت عقلی است. و نیز بعضی از اسناد مجاز عقلی است» (همان: ص ۱۹). موسوی نیز مانند خطیب قزوینی میگوید: حقیقت عقلی یعنی آنکه:

- مطابق واقع و اعتقاد گوینده باشد، مثل قول مؤمن: انبت الله البقل.

مطابق مطابق واقع است مثل قول معتزلی از برای کسی که نمیداند، حال او را درحالیکه اخفاء میکند حال خود را از آن کس خلق الله تعالی الافعال کلها که در ظاهر نزد متکلم اسناد خلق افعال بسوی الله تعالی اسناد است بسوی ما هوله و هر چند در حقیقت این چنین نیست.

- مطابق عقیده گوینده باشد، مثل قول جاهل: انبت الربیع البقل.

- با هیچ کدام مطابق نیست مثل اینکه بگویی جاء زید درحالیکه میدانی زید نیامده است.

عبدالقاهر جرجانی در دلایل الاعجاز بانی با عنوان مجاز حکمی گشوده است: «فاعلم أنَّ فی الکلام مجازاً علی غیر هذا السبیل، وهو أنَّ یكونَ التجوُّزُ فی حُکم یجرى علی الکلمة فقط، وتكونَ الکلمة متركوةً علی ظاهرها، ویكونُ معناها مقصوداً فی نفسه ومُراداً من غیر توریة ولا تعریض» (دلایل الاعجاز: ص ۱). موسوی نیز مانند جرجانی مجاز عقلی را، مجاز حکمی و مجاز در اثبات و اسناد مجازی مینامد و آن را اینگونه تعریف میکند: «آن اسناد فعل است یا معنی فعل بسوی ملابس فعل یا معنی که غیر ماهوله باشد یعنی غیر ملابسی که آن فعل یا معنی از برای او باشند یعنی غیر فاعل در ما بنی الفاعل و غیر مفعول به در ما بنی للمفعول به تاویلی» (همان: ص ۲۱). موسوی مجاز عقلی را به اعتبار مسندالیه و مسند به چهار دسته تقسیم میکند:

- هر دو حقیقت وضعیند مثل انبت الربیع البقل.

- هر دو مجاز وضعیند مثل احي الارض شباب الزمان.

- مسندالیه حقیقت و مسند مجاز است مانند وحی الارض الربیع.

- مسندالیه مجاز و مسند حقیقت است مانند انبت البقل شباب الزمان.

موسوی به نظر سکاکی که مجاز عقلی را قسمی از استعاره بالکنایه و تخیلیه میداند، ایراد وارد میکند:

- در آیه یا هامان ابن لی صراحاً از آنجا که ندا و خطاب موقوف باشد پس امر به بناء در هامان نیست.

- در نهاره صائم از آنجا که اضافه شیء به نفس، باطل است حال اینکه شک نیست در صحت این اضافه و وقوع او مثل قول الله تعالی «فما ربحت تجار تهم»

- در نهاره صائم مراد از نهاره معنای حقیقی است و استعاره در ضمیر مستتر است نه در نهاره مثل استخدام در علم بدیع.

در ادامه مباحث مربوط به علم معانی موسوی به بیان احوال مسندالیه و طرح مباحثی چون حذف و ذکر و تعریف و تنکیر پرداخته است و در همه موارد بطور مبسوط سخن گفته است. مقاصد ثانوی ذکر مسندالیه از نظر نویسنده عبارتند از: نبودن اقتضا برای عدول از اصل که ذکر مسندالیه است، احتیاط، ایضاح و تقریر، تعظیم مسندالیه، اهانت و خوارداشت مسندالیه، تبرک به ذکر او، بسط کلام.

دلایل حذف مسندالیه نیز از نظر موسوی به این قرار است: «احتراز و تعلیل مذکور اختیار تنبه سامع نزد قرینه، اختیار مقدار تنبه سامع که آیا آگاه میشود به قراین خفیه یا نه، به وهم انداختن حفظ مسندالیه است از لسان خود از جهت تعظیم او، به وهم انداختن حفظ لسان است از مسندالیه از جهت تحقیر و اهانت او، از جهت تاتی و تیسر انکار است نزد حاجت، ضیق مقام از اطالة کلام به سبب ضیق قلب و ملالت یا فوات فرصت، محافظت بروزن یا سجع یا قافیه» (همان: ص ۳۲).

موسوی نیز مانند عبدالقاهر جرجانی، به جوانب زیباشناسی تقدیم و تأخیر مسندالیه پرداخته و در این باب فایده‌ها و زیباییهایی را برشمرده است: برای تمکین دادن خبر در ذهن سامع، تعجیل مسرت یا مسات برای تفأل یا تطیر، اظهار تعظیم مسندالیه، تحقیر مسندالیه. در تقدیم مسندالیه بر مسند فعلی موسوی معتقد است که علاوه بر دلالت بر اختصاص، برای تقویت حکم و تقدیر حکم در ذهن سامع است. در تقدیم مسندالیه مسبوق به نفی بر مسند فعلی موسوی به نقد دیدگاه جرجانی که معتقد است این نوع تقدیم برای اختصاص میاید پرداخته و نظر سکاکی را که معتقد است بین جمله منفی و مثبت فرقی نیست و معرفه و نکره و ضمیر بودن آن و دارا بودن شرایط اختصاص معیار است و بصورت قطعی نمیتوان این نوع تقدیم را دلالت بر اختصاص دانست، بررسی کرده است (همان: ص ۴۴).

باب پنجم نسخه به بحث قصر اختصاص دارد که با تعریف آن آغاز میشود: «قصر در لغت بمعنی حبس است و در اصطلاح تخصیص شیء است به شیء به طریق معهود» (همان: ص ۱۰۴). او قصر را به حقیقی و غیرحقیقی تقسیم و هریک از آنها را نیز بر دو نوع بخش میکند: قصر موصوف بر صفت و قصر صفت بر موصوف. در ادامه برحسب حال مخاطب به بیان انواع سه‌گانه قصر افراد و قصر تعیین و قصر قلب میپردازد. شیوه‌های قصر از نظر موسوی عبارت است از: نفی و استثناء، کلمه آتما، عطف و عطف یا بواسطه حرف لا، تعریف مسند به ال، توسط ضمیر فصل، تصدیر کلام به حرف تنبیه.

باب ششم درباره انشاست و در تعریف آن میگوید: «کلامی که نباشد از برای نسبت او خارجی که مطابق باشد آن نسبت خارج یا لامطابق باشد گاهی گفته میشود بر فعل متکلم یعنی القاء کلام انشائی مثل اخبار» (همان: ص ۱۲۲). انشاء به دو قسم طلبی و غیرطلبی تقسیم میشود. در این نسخه انشای طلبی در پنج قسم تمنا، استفهام، امر، نهی، و ندا بررسی شده است.

در باب هفتم مبحث وصل و فصل آمده است. در اهمیت این بحث در علم معانی نویسنده معتقد است: «معظم ابواب علم معانی فصل و وصل است و او مبنی است بر جامع خصوصاً جامع خیالی که جمع او بر مجرای الف و عادت است» (همان: ص ۱۶۴). درباره موارد وصل موسوی مینویسد: شرط بودن عطف میان جملتین و مفرد به مفرد جهت جامعه‌ای است که میان آنها باشد (همان: ص ۱۴۶). «و از جمله محسنات وصل تناسب جملتین است در اسمیه و فعلیه و تناسب فعلتین است در ماضی و مضارعه» (همان: ص ۱۵۰). کمال انقطاع از جهت اختلاف جملتین است خبراً و انشاءً، لفظاً و معنیاً و نیز از جهت عدم جامع است میان جملتین.

باب هشتم شمس الالالی به بحث اطناب و ایجاز و مساوات اختصاص دارد. موسوی این بخش را با نظر سکاکی درباره ایجاز و اطناب آغاز میکند: «سکاکی میگوید اما ایجاز و اطناب از جهت بودن ایشان است از اموری نسبیه که میباشد تعقل ایشان قیاس به تعقل شیء دیگر زیرا که کلام موجز میباشد موجز نسبت به کلام ازید از او و همچنین مطنب میباشد مطنب قیاس به کلام انقص از او پس میسر نباشد کلام در ایجاز و اطناب مگر تبرک تحقیق و تعیین مگر بنا بر امر عرفی متعارف اوساط ناس باشد یعنی کلام ایشان در مجرای عرف ایشان است در تأدیة معالی نزد معاملات و مجاورات و آن کلام حمد کرده نمیشود از اوساط ناس در باب بلاغت از جهت عدم رعایت مقتضیات احوال و نیز ذم کرده نمیشود از ایشان، زیرا که غرض ایشان تأدیة اصل معنی است به دلالات وضعیه و الفاظ بهر نحوی که بوده باشد» (همان: ص ۱۷۴). موسوی نظر سکاکی را که میگوید نسبی بودن ایجاز و اطناب تحقیق درباره آنها را دشوار میکند، نقد کرده و مینویسد: «در قول سکاکی نظر است، زیرا که بودن شیء نسبی تقاضا نمیکند که تحقیق معنی او متعسر باشد و همچنین بناء بر متعارف و بسط موصوف ردّ است به جهالت، زیرا که نمیشود کمیت متعارف اوساط ناس و کیفیت ایشان از جهت اختلاف طبقات ایشان و نیز دانسته نمیشود اینکه هر مقام چه مقدار مقتضی بسط است تا قیاس کرده شود بر او و حکم کرده شود بر اینکه مذکور اقلّ از او یا اکثر از اوست» (همان: ص ۱۷۵). بدین ترتیب بطور فشرده و موجز در تعریف ایجاز و اطناب و مساوات این-

چنین مینویسد: «اُقرَب بحق این است که گفته شود که مقبول از طرق تعبیر از مراد تادیه اصل مراد است به لفظی که مساوی اصل مراد باشد یا به لفظی که ناقص از او و دافی باشد یا به لفظی که زائد بر او از جهت فایده باشد» (همان: ص ۱۷۶).

موسوی ابهری بخش دیگری از کتاب خود را به فن بیان به اختصار داده است. او علم بیان را به تشبیه، کنایه و مجاز تقسیم‌بندی میکند و استعاره را جزئی از مجاز میداند. «منحصر شد مقصود از علم بیان در سه چیز که تشبیه و مجاز و کنایه باشد» (همان: ص ۱۹۴). مباحث مربوط به علم بیان در شمس اللالی با تشبیه شروع میشود و پس از آن مجاز و سپس کنایه، در توجیه این ترتیب میخوانیم: «مجاز مقدم داشته شده است بر کنایه، زیرا که معنی مجاز مثل جزء معنی کنایه است از برای اینکه معنی مجاز لازم فقط است و معنی کنایه جایز است اینکه بوده باشد لازم و ملزوم جمیعاً و جزء مقدم است بر کلّ طبعاً، پس بنابراین مقدم داشته شد بحث مجاز بر بحث کنایه وضعاً بدانکه از جمله مجاز آن چیز است که بنا گذاشته میشود بر تشبیه و بنابراین معین میشود تعرّض به تشبیه پیش از تعرّض به مجاز» (همانجا).

موسوی طرفین تشبیه را به عقلی و حسی و نیز به مفرد و مقید و مرکب دسته‌بندی نموده است. تقسیم‌بندیهای دیگر وی، تشبیه از نظر مدرک و غیرمدرک بودن طرفین تشبیه به خیالی و وهمی است. وی وجه‌شبه را به اعتبارات مختلفه، به تحقیق و تخیل تقسیم کرده است. در صورت ذکر شدن وجه شبه تشبیه مفصل و در صورت ذکر نشدن آن مجمل است (همان: ص ۲۱۰). در تشبیه اگر ادات تشبیه ذکر شود، آن را مرسل و اگر ذکر نشود مؤکد گویند و نیز تشبیه یا قریب مبتذل است، «یعنی مستعمل هر عامه را، یا غریب است مستعمل هر خاصه را؛ اما قریب مبتذل تشبیهی است که در او انتقال کرده شود از مشبه بسوی مشبه به بغیر تدقیق نظر به آنکه وجه شبه در او ظاهر باشد چنانچه در اول نظر دریافت شده» (همان: ص ۲۱۵). هروی از تشبیه مشروط و تسویه و تشبیه اضمار نیز سخن گفته است «و آن اضمار، تشبیهی است که در ضمن غرضی دیگر فهم شود و ظاهر چنان نماید که مقصود چیزی دیگر است، نه این تشبیه».

موسوی ابهری تشبیه را به اعتبار وجه شبه تقسیم‌بندی میکند به تشبیه تمثیل و غیرتمثیل، تشبیه مفصل و تشبیه قریب و بعید. در مقوله‌ای دیگر از تشبیه مشروط و مؤکد میگوید (همان: ص ۲۲۲). نکته قابل توجه در بحث تشبیه اشاره به تشبیه طنز بدون ذکر نام آن است: «بدان که گاهی انتزاع کرده میشود وجه شبه از نفس تضاد جهت اشتراک ضدین در تضاد پس نازل کرده میشود تضاد بمنزله تناسب بواسطه اتیان باهر ملیحی یا تهکمی پس گفته میشود از برای جبران ما شبه بالاسد و از برای بخیل هو حاتم» (همان: ص ۲۰۶) و این همان سخن سکاکی است که «واعلم أن الشبه قد ينتزع من نفس التضاد، نظراً إلى اشتراك الضدين فيه، من حيث اتصاف كل واحد منهما بمضادة صاحبه، ثم ينزل منزلة شبه التناسب، به واسطة تملیح أو تهكم، فيقال للجبان: ما أشبهه بالأسد، وللبخیل: إنه حاتم» (مفتاح‌العلوم: ص ۱۶۸).

موسوی تشبیه را به اعتبار وجه شبه به سه دسته تقسیم میکند:

- ۱- تمثیل و غیرتمثیل، «تمثیل و او تشبیهی است که وجه شبه او وصفی باشد منتزع از متعدد را به قول خود که بوده باشد وجه شبه وصف غیرحقیقی همچنین که گذشت در تشبیه مثل یهود به مثل حمار و اما غیر تمثیل و او به خلاف تمثیل است» (همان: ص ۲۱۴). در تشبیه تمثیل مانند خطیب قزوینی قید عقلی بودن را در نظر نگرفته است.
- ۲- مجمل و مفصل، مجمل تشبیهی است که در آن وجه شبه ذکر نشده باشد و مفصل تشبیهی است که در او وجه شبه مذکور باشد.

۳- قریب و بعید، «قریب مبتذل و او تشبیهی است که منتقل میشوند در او از مشبه بسوی مشبه به بدون تدقیق نظر از جهت ظهور وجه شبه در بادی الرّای یا از جهت بودن اوست امری مجمل» (همان: ص ۲۱۶). «بعید غریب و او به خلاف قریب مبتذل است از جهت عدم ظهور وجه شبه در بادی الرّای یا از جهت کثرت تفصیل است مثل و الشمس کالمرآت فی

کفّ الاشلّ یا از جهت صدور حضور مشبه به است در ذهن یا نزد حضور مشبه از جهت بعد مناسبت. همچنین که گذشت از تشبیه به بنفسج به ناربهریت و یا مطلقاً از جهت بودن او وهمی مثل انیاب اغوال یا مرکب خیالی مثل اعلام یا قوت با مرکب عقل مثل کمثل الحمار یحمل اسفاً همچنان که گذشت یا از جهت تکرر مشبه به بر حسن مثل و الشمس کالمراه فی کفّ الاشلّ» (همان: ص ۲۱۷).

موسوی تشبیه بلیغ را از جمله تشبیهات بعید غریب میدانند. او تشبیه مشروط را تصرف در تشبیه قریب مبتذل برای اخراج از ابتذال میگوید.

موسوی ابهری مجاز را به دو دسته مجاز مرسل و استعاره تقسیم میکند: «و مجاز مرسل است اگر علامت مصحّحه غیرمشابه میان معنی مجازی و حقیقی باشد و آلا استعاره خواهد بود» (همان: ص ۲۲۴). در این مورد نظر او مانند خطیب قزوینی است، زیرا او هم تعریف قابل ملاحظه‌ای از استعاره ارائه نمیکند و در بحث مجاز به آن میپردازد (تلخیص‌المفتاح، خطیب قزوینی: ص ۶۵). تفتازانی هم معتقد است استعاره مجاز لغوی است، بدین معنا که استعمال لفظ است در غیر ماضع له با علاقه مشابّهت (المطول، تفتازانی: ص ۲۲۲). در دو برگه پایانی نسخه کتابخانه ملک، به استعاره اشاره میشود، اما از آنجاکه نسخه افتادگی دارد، دسترسی به نظرات او در این باره و درباره کنایه، در حال حاضر، تا دستیابی به نسخه‌ای کامل امکان‌پذیر نیست. اما روشن است که موسوی انسجامی را که در بخش نخست به علم معانی داشته، در فن بیان ندارد.

با توجه به آنچه درباره متن‌شناسی شمس‌اللالی بیان شد، میتوان گفت مؤلف در کتاب نگاه مستقل و مدون ارائه نداده و بیشتر از نکته‌ها و دیدگاه‌های رایج در کتب بلاغی دیگر بهره برده است. تحلیل و شرح محسنات شعری در این کتاب تراوشات ذهن مؤلف نیست و تواناییهای ذهنی و ذوقی مؤلف در ایجاد آنها چندان مؤثر نیست، بلکه همانگونه که خود میگوید ساختار و محتوای کتاب براساس تلخیص مفتاح است. با این حال درباره این اثر میتوان گفت: «کتابهای بلاغت فارسی در برخی دوره‌ها خالی از نوآوری، و در هیچ دوره‌ای خالی از فایده نیست. گاه راه یافتن ابیاتی به این کتابها، آنها را از گزند فراموشی حفظ کرده و در مواردی، فقراتی از بحثهای بلاغی از این کتابها به کتابهای بلاغت عربی راه یافته است. اگر در برخی کتابهای بلاغت فارسی -چنانکه محققان اشاره کرده‌اند- نتوان نوآوری یافت، دست‌کم میتوان آنها را تداوم سنت نگارش کتابهای بلاغت فارسی دانست و ذوق غالب زمانه را در ابیات و شواهد ادبی برگزیده آنها دید» (دوره-بندی تاریخ دانش بلاغت فارسی، سارلی و سعادت درخشان: ص ۱۳).

نتیجه‌گیری

موسوی ابهری از بلاغیون قرن دوازدهم است که اطلاع چندانی درباره او در منابع متقدم و متأخر موجود نیست. تنها اثر وی، شمس‌اللالی است که با همین نام در فهرس نسخ خطی ثبت شده است. شمس‌اللالی از باب علمی نسبتاً جامع است. متأسفانه در تک‌نسخه باقی‌مانده از اثر، متن بخش استعاره در خاتمه آن موجود نیست. باوجود این مطالب، متن خود بتنهایی اثری مستقل در علم بلاغت بشمار می‌آید. تشریح هشت باب علم معانی با ظرافت ویژه و با استفاده از شواهد وافر عربی و آیات قرآنی و امثال و شواهد خود نویسنده و همچنین نظریه راسخ در علم بیان و تأکید محض بر تشبیه و اعتقاد به سلطنت بی‌چون‌وچرای تشبیه در صور خیال و برعکس عدم اعتقاد به استقلال استعاره و نظر به محوریت مجاز بر کنایه ذهن مخاطب را بیشتر با نوآوری بلاغی درگیر میکند. تعریف صناعات این کتاب از مفتاح‌العلوم، تلخیص‌المفتاح، و حقائق‌السحر گرفته شده است. شواهد دیگر که از شعر و نثر عربی و آیات قرآنی و احادیث است، از آثار بلاغی عربی گرفته شده است. موسوی بیشترین تأثیر را از سکاکی گرفته است و بیشترین شواهد و دلایل اثباتی خود را از بلاغت وی دارد.

شمس‌اللالی در زمره کتابهایی است که از رویکرد و جریان غالب در نگارش آثار بلاغت فارسی برکنارند و ظاهراً برای آموزش بلاغت عربی به متعلمان مدارس دینی نوشته شده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان استخراج شده است. سرکار خانم دکتر مریم محمودی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای مجتبی سعادت به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر مهرداد چترایی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Aghahoseini, Hossein & Hemtian, Mahboubeh. (۲۰۱۵). Analytical look at the science of expression, Tehran: Samt, p. ۱۶.
- Bahar, Mohammad Taghi. (۱۹۹۱). Stylistics, sixth edition, Tehran: Amirkabir, p. ۳۸۷.
- Drayati, Mostafa. (۲۰۱۱). Indexes of Iranian Manuscripts (Fankha). Tehran: National Documents and Library Organization of the Islamic Republic of Iran.
- Fotouhi, Mahmoud. (۲۰۰۷). A Critical Critical Look at the Theoretical Foundations and Methods of Traditional Rhetoric, *Journal of Literary Studies*, Vol. ۳, pp. ۹-۳۷.
- Khatib Qazvini. (۱۹۲۳). Summary of Al-Muftah, Beirut: Np.
- Mo'azani Ali Mohammad, Tayeb, Zuhair, Shoja Pourian, Valiollah. (۲۰۱۸). The study of the effect of rhetorical perceptions on the validity and stability of

- the structure of rhetorical explanation of Khatib Qazvini, *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, Volume ۷, Number ۲, pp. ۱۹۵-۲۱۴.
- Mousavi, Ibn Ahmad. (unpublished) rhetoric of manuscript belonging to Malik Library. No. ۱۲۱۲. Tehran.
- Raja'ei, Mohammad Khalil. (۱۹۹۷). Ma'alem al-Balaghah, third edition, Shiraz: Shiraz University, p. ۲۱.
- Reza'ei, Fazlollah. (۲۰۰۹). Analytical Critique and Review of Prominent Rhetorical-Rhetorical Works in Persian Literature (from Radviani to Tharwatian), *Ayeneye Miras Quarterly*, Vol. ۴۵, pp. ۱۴۳-۱۸۶.
- Sakaki, Abi Yaqub Yusuf ibn Abi Bakr Muhammad ibn Ali. (۱۴۰۷ AH / ۱۹۸۷). Key to Science, Beirut: School of Science. second edition.
- Sarley, Naser Gholi & Sa'adat Derakhshan, Fatemeh. (۲۰۱۰). The History of Persian Rhetoric, *Literary Criticism Quarterly*, Volume ۳, Issue ۱۰, pp. ۷-۳۳.
- Shoghi Zeif, Ahmad. (۲۰۰۴). History of the Evolution of Rhetoric, translated by Mohammad Reza Torki, Tehran: Samt, p. ۴۸۵.
- Smith, William. (۱۹۹۴). The first Persian works in rhetoric, Translated by Mahmoud Hassan Abadi. Kayhan Andisheh. Vol. ۵۵, pp. ۱۵۲-۱۶۹.
- Taftazani, Massoud Ibn Umar. (ND). Almotavval, The length in the explanation of the summary of conquest. Abdul Rahim bin Mohammad Taghi Khansari. Tehran: Islamic Theological Publications.

فهرست منابع فارسی

- بررسی تأثیر استدراکات بلاغیون بر روایی و پایداری ساختارمندی ایضاح‌البلاغه خطیب قزوینی، مؤذنی، علی-محمد، طیب، زهیر، شجاع پوریان، ولی‌الله (۱۳۹۷) پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، (۲) ۷، صص ۱۹۵-۲۱۴.
- بلاغت، موسوی، ابن احمد (بی تا) نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملک. شماره ۱۲۱۲. تهران.
- تاریخ تطور علوم بلاغت، شوقی ضیف، احمد (۱۳۸۳) ترجمه محمد رضا ترکی، تهران: سمت.
- تلخیص‌المفتاح، خطیب قزوینی (۱۳۰۲) بیروت: بی نا.
- دوره‌بندی تاریخ دانش بلاغت فارسی، سارلی، ناصرقلی و سعادت درخشان، فاطمه (۱۳۸۹) فصلنامه نقد ادبی، (۱۰) ۳، صص ۷-۳۳.
- سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی (۱۳۷۰) چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، درایتی، مصطفی (۱۳۹۰) (فنخا). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- المطول، تفتازانی، مسعودبن عمر (بی تا). المطول فی شرح تلخیص‌المفتاح، عبدالرحیم‌بن محمدتقی خوانساری. تهران: انتشارات علمیة اسلامیة.
- معالم‌البلاغه، رجایی، محمدخلیل (۱۳۷۶) چاپ سوم، شیراز: دانشگاه شیراز.

مفتاح العلوم، سکاکی، ابی یعقوب یوسف‌بن ابی بکر محمدبن علی (۱۴۰۷/م/۱۹۸۷) چاپ دوم، بیروت: دار المکتب‌العلمیه. نخستین آثار فارسی در بلاغت، اسمیت، ویلیام. (۱۳۷۳). ترجمه محمود حسن‌آبادی، کیهان اندیشه، شماره ۵۵، صص ۱۵۲-۱۶۹.

نقد و بررسی تحلیلی آثار برجسته بلاغی - بدیعی در ادب پارسی، رضایی، فضل‌الله (۱۳۸۸) (از رادیوانی تا ثروتیان)، فصلنامه آینه میراث، شماره ۴۵، صص ۱۴۳-۱۸۶.

نگاه تحلیلی به علم بیان، آقاحسینی، حسین و همتیان، محبوبه (۱۳۹۴) تهران: سمت. نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روشهای بلاغت سنتی، فتوحی، محمود (۱۳۸۶) نشریه ادب پژوهی، شماره ۳، صص ۹-۳۷.

معرفی نویسندگان

مجتبی سعادت: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.
(Email: saadatvghazal@yahoo.com)
مریم محمودی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.
(Email: m.mahmoodi75@yahoo.com) (نویسنده مسئول)
مهرداد چترایی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
(Email: m_chatraei@yahoo.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Mojtaba Saadat: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.
(Email: saadatvghazal@yahoo.com)
Maryam Mahmoodi: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.
(Email: m.mahmoodi75@yahoo.com : Responsible author)
Mehrdad Chatraei: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
(Email: m_chatraei@yahoo.com)